

بایسته‌های صلح‌سازی در افغانستان

داکتر محمد احسانی*

چکیده

این مقاله با عنوان بایدهای صلح در افغانستان با رویکرد دینی و قرآنی به منظور تبیین و ارائه بایسته‌های صلح‌سازی در افغانستان با روش توصیفی-تحلیلی در فضای کتابخانه تدوین یافته است. صلح به لحاظ دینی و قرآنی و هم‌چنین اخلاقی و اجتماعی مستلزم بایسته‌هایی است که می‌بایست در فرایند صلح‌سازی مورد توجه جامعه جهانی و طرف‌های دخیل در ایجاد آشتی ملی و توافق عمومی در کشور فرار گیرند. اگر صلح واجد بایدهای لازم در سه حیطه دینی-قرآنی، اخلاقی و اجتماعی بود، می‌تواند دارای خیر و برکت برای مردم افغانستان باشد؛ اما اگر بایسته‌های مهم و کارساز در ایجاد وحدت و همدلی را نداشت، نمی‌تواند مصلحت عامه را در کشور فراهم کند و به احتمال زیاد آسیب‌هایی از نوع دیگر را بر ملت مظلوم افغانستان یا قوم و مذهب خاص تحمیل خواهد کرد. صلح عادلانه، صلحی است مبتنی بر بایسته‌های عقلی، قرآنی و اخلاقی و چنین صلحی یقیناً تأمین‌کننده امنیت، منافع جامعه با تمام اقوام و مذاهب خواهد بود.

کلیدواژگان: صلح، بایدها، نبایدها، امنیت، اخلاق، سیاست، قرآن.

از زمان تجاوز ارتش سرخ شوروی (۱۳۵۸) تا کنون، به نوعی جنگ و ویرانی در افغانستان ادامه دارد و با تخریب شهرها، راه‌ها، زیرساخت‌ها و مهاجرت میلیون‌ها انسان، هنوز راهی برای رهایی از جنگ و ناامنی در آن کشور مشاهده نمی‌شود. در سال‌های متمادی جنگ و نزاع در افغانستان، صدمات و خسارات جبران‌ناپذیری به این کشور و مردمانش وارد شده است. وجود اختلاف در میان اقوام و گروه‌های افغانستان از سویی و حملات تروریستی گروه‌های منسوب به القاعده و طالبان از سوی دیگر در این کشور، چند دهه امنیت و صلح را از بین برده است. بی‌تردید، در این تراژدی غمبار مردم قربانی اصلی ناامنی‌ها هستند؛ چه آنان که در کشور ماندند و متحمل سخت‌ترین رنج‌ها شدند و چه آنان که به کشورهای همجوار و دیگر کشورها پناهنده شدند و رنج آوارگی را به جان خریدند، همگی از صدمات عدم امنیت در کشور لطمه فراوان دیده‌اند.

از آن‌جا که صلح از اصول دین اسلام است و پابندی به آن از وظایف شرعی هر مسلمانی است، این مقاله در صدد آن است تا سیاست‌مداران و رهبران سیاسی و قومی را با آموزه‌های اسلامی و قرآنی نسبت به موضوع صلح آشنا و عمل به آن ترغیب نماید. در این مقاله بایدها و نبایدهای صلح در افغانستان با توجه به وضعیت موجود از منظر آیات و روایات برای رسیدن به وضعیت مطلوب بررسی می‌شود. بایدهای قرآنی، اخلاقی و سیاسی - اجتماعی در مورد صلح افغانستان از موضوعات مهم و کاربردی است که امروزه با نظر به زمره‌های صلح‌سازی در آن کشور از اهمیت بیش‌تر برخوردار می‌باشد. هم‌چنین، نبایدهای صلح در افغانستان نیز در ادامه مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. بیان مسئله

مهم‌ترین مسئله‌ای که باعث طرح موضوع صلح و تبیین بایدها و نبایدهای آن از منظر آیات و روایات شده، دغدغه ناامنی در جامعه افغانستان است که سال‌ها مردم این سرزمین را زمین‌گیر و غرق در ناامنی و فقر و آوارگی کرده است. مردم افغانستان آواره اقاصا نقاط جهان و با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند و در داخل کشور وضع بدتر از زندگی در مهاجرت است که در شرایط فعلی نقطه امنی در ولایات و مناطق مختلف برای مردم وجود ندارد. اغراض مذهبی، مادی، گروهی، قومی، نژادی، زبانی و... باعث شده که چهار دهه مردم مظلوم افغانستان در جنگ و ناامنی به سر برند. در عین حالی که همه ملت افغانستان و جوانب نزاع در کشور، مسلمان هستند و خود را تابع اسلام و قرآن می‌دانند، هرکدام از رهبران سیاسی و مذهبی مدعی نمایندگی از اسلام‌اند و انتظار دارند که دیگران از آنان تبعیت نمایند. بر این اساس، انگیزه تدوین مقاله با موضوع صلح در نگارنده ایجاد شد تا با تبیین

بایدها و نبایدهای صلح از دیدگاه قرآن شاید بتواند جامعه افغانستانی و مخصوصاً سیاستمداران کشور را به صلح و آشتی بر محور اسلام و قرآن و تأمین منافع ملی ترغیب کند.

۲. ضرورت موضوع

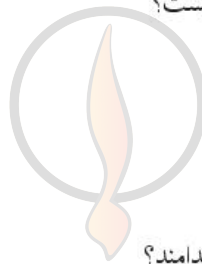
اهمیت و ضرورت صلح در جامعه افغانستان بر کسی پوشیده نیست و هر انسانی منصف، عاقل و آشنا با مسایل کشور بدون تردید بر لزوم صلح و امنیت در جامعه اذعان می‌کند. مشکلاتی که چهار دهه اخیر دامن‌گیر مردم مسلمان افغانستان بوده و هنوز هم ادامه دارد، افزون بر این که راه رشد و ترقی را در کشور مسدود کرده، همه زیرساخت‌ها و تأسیسات عام‌المنفعه را نابود کرده است. با نظر به زمزمه‌های صلح در ماه‌های اخیر و تمایل گروه‌های متخاصم به آشتی با مخالفان، پژوهش و سخن گفتن درباره صلح‌سازی در کشور اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است؛ از این رو، تحقیق حاضر با موضوع بایدها و نبایدهای صلح از منظر آیات و روایات و تطبیق آن در افغانستان، مورد پژوهش قرار گرفته است.

۳. سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی

بایدها و نبایدهای صلح در افغانستان چیست؟

سؤال‌های فرعی



۱. بایدهای قرآنی صلح کدامند؟

۲. بایدهای اخلاقی صلح چیستند؟

۳. بایدهای سیاسی-اجتماعی صلح کدامند؟

۴. نبایدهای صلح در افغانستان چیستند؟ **نیاد اندیشه**

تأسیس ۱۳۹۴

۴. هدف موضوع

هدف عمده مقاله، در قدم اول، بررسی بایدها و نبایدهای صلح با تکیه بر آیات و روایات و در قدم دوم، تشویق گروه‌های دخیل در جنگ افغانستان به آشتی و همزیستی مسالمت‌آمیز در کشور است. تأمین صلح و صفا در افغانستان میان برادران دینی به حدی ضروری و ارزشمند است که اگر گروه‌های طرف نزاع با قصد واقعی به آشتی با مخالفان بپردازند، یقیناً مردم مسلمان و ستم‌دیده افغانستان از این همه مشکلات رهایی خواهند یافت. در شرایط کنونی بر هر فرهیخته و نویسنده افغانستانی لازم است

که با زبان و قلم به اجرای فرایند صلح در کشور کمک کند. کمک به صلح در کشور نه تنها کمک به مردم افغانستان، بلکه کمک به همهٔ منطقه و جامعهٔ جهانی است؛ از این رو، عمده هدف نوشتار حاضر، زمینه‌سازی برای ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در کشور می‌باشد.

۵. پیشینهٔ موضوع

با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده در کتابخانه‌ها و فضای مجازی معلوم شد که اثری با عنوان «بایدها و نبایدهای صلح در افغانستان با رویکرد قرآن و اسلام کار نشده و نیاز به بررسی دارد. هرچند در مورد صلح به نحو عام مانند صلح پیامبر اسلام (ص)، صلح امام حسن (ع) و... کتاب‌ها و مقالاتی تدوین شده است؛ ولی دربارهٔ بایدها و نبایدهای صلح با پسوند افغانستان پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است؛ بنابراین، این تحقیق موضوعی است جدید و نیاز روز جامعهٔ افغانستان و لازم است پیرامون آن پژوهشی ولو مختصر انجام شود که نوشتار حاضر عهده‌دار این کار می‌باشد.

صلح در جهان نیز مورد توجه مجامع عمومی و مخصوصاً سازمان ملل قرار دارد که در زمینهٔ برقراری آشتی و سازش در کشورهای مختلف تلاش می‌کند. به همین علت، روز خاصی در سازمان ملل به عنوان روز صلح نام‌گذاری شده و در این روز تبلیغات و برنامه‌های گوناگون در کشورهای جهان برای توجه به صلح و امنیت برگزار می‌شود. روز ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۱ میلادی به مناسبت بازگشایی جلسهٔ مجمع عمومی سازمان ملل روز جهانی صلح انتخاب شده و به تصویب اعضای سازمان ملل رسیده است. این روز بهانه‌ای برای پرداختن به تبیین مفهوم صلح، چیزی است که انسان در جهان امروز به آن نیازی مبرم دارد.



۶. روش تحقیق

شیوهٔ انجام هر تحقیقی از این دست که اغلب با منابع دینی و آثار پیشینیان سرو کار دارد، طبق معمول روش تحلیلی-توصیفی است. چنین پژوهشی که جنبهٔ نظری دارد، در فضای کتابخانه اجرا می‌شود و به فعالیت‌های میدانی و آماری نیاز ندارد؛ چرا که تبیین بایدها و نبایدهای صلح با رویکرد اسلامی و قرآنی کاری است نظری و باید در محیط آرام مراکز علمی که غالباً از عوامل آفت‌زا و تشویش‌برانگیز فکر و اندیشه به دور است، به مرحلهٔ اجرا درمی‌آید. بر این اساس، روش کار در این تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی است و با استفاده از شیوهٔ استنتاج منطقی به نتایج مطلوب و مورد انتظار از پژوهش نائل می‌شود.

۷. مفهوم‌شناسی

تبيين مفاهيم اصلي به‌کاررفته در موضوع تحقيق به منظور آشنایی مخاطبان ضرورت دارد و این امر باعث آگاهی بیش‌تر آن‌ها می‌شود تا با اطلاع کافی به مطالعه مطالب مندرج در پژوهش بپردازند. مفاهيم کلیدی در این تحقيق عبارتند از: صلح، بایدها و نبایدها که با توجه به گستردگی معنایی و ابهام در مفهوم این واژگان، تعريف و بيان مقصود از آن‌ها در آغاز بحث ضرورت دارد؛ چه این‌که بدون شناخت معنای مورد نظر از این کلمات، نمی‌توان مسیر درستی در پژوهش انتخاب کرد و به هدف مورد نظر و نتایج مطلوب دست یافت؛ از این‌رو، در این قسمت از نوشتار به شناسایی و تعريف واژگان اساسی به‌کاررفته در این تحقيق اشاره می‌شود.

۷-۱. صلح

هرچند «صلح» یک واژه آشنا برای عموم مردم است و چندان نیاز به تعريف و تبیین ندارد؛ ولی با این حال لازم است به صورت اختصار به معنای آن اشاره کرد. صلح در لغت به معنای آشتی، دوستی، توافق و سازش آمده (دهخدا: واژه صلح) و در اصطلاح به معنای مختلفی در رشته‌های گوناگون علمی به کار رفته است. صلح در دانش حقوق به معنای تراضی، تسالم و توافق بر امری اعم از تملیک عین یا منفعت یا اسقاط ذین یا حق، استعمال شده است. در اصطلاح سیاست، دست کشیدن از جنگ با عقد قرارداد (ساروخانی، ۱۳۸۰: واژه صلح). در فقه نوعی از عقود است که در آن کسی چیزی از خود را برای سازش به دیگری ببخشد.

از دیدگاه اسلام نیز صلح به معنای آشتی و آرامش بخشیدن به جامعه معنا شده است. در قرآن کریم واژگان متعددی به معنای صلح و آشتی به کار رفته که پیش از همه، کلمه «سَلِمَ» کاربرد صلح داشته است. اسلام و سلام از همین ماده به معنای سلامت و حیات مسالمت‌آمیز است که در متون اسلامی به وفور مشاهده می‌شود. به هر صورت، در این‌جا منظور از صلح، توافق و سازش میان دو یا چند نفر و یا میان گروه‌هایی از مردم است که بر ایجاد چیزی میان خودشان سازش می‌کنند و در بیش‌تر مواقع با هدف پیش‌گیری از گسترش اختلاف و نزاع در امور یا رفع نزاع و اختلاف پیش‌آمده میان گروه‌های سیاسی - اجتماعی در مسائل اجتماعی در کشور افغانستان به کار می‌رود.

۷-۲. بایدها

کلمه «باید» واژه‌ای است فارسی دری و معنای امری و دستوری دارد که بیانگر ارزشمندی متعلقش می‌باشد؛ به این معنا که هر کار یا چیزی که واژه باید به آن تعلق گیرد، مطلوبیت دارد و انسان می‌بایست

به آن اهتمام ورزیده ترتیب اثر دهد؛ مثلاً نماز فعلی است واجد ارزش دینی که باید انجام شود و انسان موجودی است دارای کرامت که باید تکریم گردد. البته، بایدها انواع مختلف دینی، قرآنی، اخلاقی، اجتماعی و... دارد که در این مقاله بایدهای به دست آمده از قرآن به عنوان بایدهای قرآنی، بایدهای اخلاقی و سیاسی - اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد.

۷-۳. بایدهای صلح در افغانستان

صلح بین انسان‌ها امر عقلانی و شرعی و از حقوق انسان‌ها است که باید خواسته‌های طرفین نزاع و دعاوی حقوق فرد و جامعه و همچنین جنبه‌های عقلانی، حقوقی، شرعی و دیگر جنبه‌های صلح هنگام انعقاد و اجرا مورد توجه قرار گیرد. بایدهای صلح در سه حوزه قرآنی، اخلاقی و سیاسی - اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد و به مخاطبان ارائه می شود تا در نتیجه، صلح همه جانبه و عادلانه در جامعه افغانستان استقرار یابد؛ چه این که اگر به این بایدها توجه نشود، ممکن است به نام صلح و آشتی ملی نسبت به بعضی گروه‌ها یا اقوام و مذاهب ظلم و ستم صورت گیرد و در نتیجه این بی توجهی، عدالت و انصاف و آزادی‌های فکری و مذهبی و اجتماعی در کشور پایمال شود.

۷-۳-۱. بایدهای قرآنی

قرآن کریم مکرر صلح و آشتی را میان مسلمانان و هم چنین میان مسلمانان و غیر مسلمانان به عنوان یک ارزش دینی و اجتماعی مورد تأکید قرار داده است. آیات متعدد با الفاظ گوناگون معنای صلح و همزیستی مسالمت آمیز را در جوامع اسلامی می‌رسانند که مسلمانان را مأمور به تبعیت از آن می‌کنند. رایج ترین واژه در مفهوم صلح کلماتی هم چون سلام، سلیم، أَلْف و مانند آن هستند که به وفور در قرآن کریم وجود دارند. در این جا به چند مورد از بایدهای قرآنی در ارتباط با صلح با محوریت افغانستان اشاره می‌شود.

۷-۳-۱-۱. صلح، اصل قرآنی

بنیاد اندیشه
ناسی ۱۳۹۲

از منظر قرآن، صلح یک اصل است که برای بهبود روابط اجتماعی، ایجاد وحدت، رشد و پیشرفت جامعه باید به کار گرفته شود. در جامعه افغانستان وضعیت موجود مطلوب نیست؛ بلکه دارای مشکلات، اختلاف‌ها، نزاع و جنگ‌های طولانی مدت است که امنیت و آسایش برای مردم ساکن آن وجود ندارد. صلح از منظر قرآن در واقع وسیله و ابزاری است برای رسیدن جامعه به وضع مطلوب؛ یعنی امنیت و آرامش که در آینده باید به آن دست یابد. همان گونه که روشن است، وضعیت موجود در جامعه افغانستان همواره با جنگ، نزاع، قتل، غارت و ناامنی و... توأم بوده؛ به گونه‌ای که جای امنی برای

زندگی در آن کشور پیدا نمی‌شود. صلح و آشتی میان گروه‌های درگیر در کشور وسیله‌ای است که در رسیدن به وضعیت مطلوب، یعنی ترک جنگ و تخصص و برقراری عدالت اجتماعی، کمک می‌کند و می‌بایست به کار گرفته شود؛ چه این‌که قرآن کریم عموم انسان‌ها را به مراجعه به صلح دعوت نموده آن را به عنوان یک اصل مطرح می‌کند. خداوند خطاب به همه مسلمانان می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره/ ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. در این آیه ورود در صلح و سازش فراخوان عمومی قرآن است که طبعاً شامل همه مسلمانان و مخصوصاً ملت مسلمان افغانستان را شامل است و می‌بایست به این اصل عمل کرد. اختلاف و نزاع در مقابل صلح تبعیت از شیطان معرفی شده است. هر گروه و شخصی به اختلافات در کشور دامن بزنند، طبق قرآن کریم پیرو شیطان هستند.

قرآن کریم در آیه دیگر با استفاده از کلمه حصر «إِنَّمَا» مسلمانان را برادر خوانده، صلح را بین دو برادر واجب قرار داده می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/ ۱۰)؛ در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران‌تان سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید.

طبق این آیه کریمه، اصل بر سازگاری و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان در جامعه است و اگر گاهی مشکلی میان آنان بروز کرد، دیگران وظیفه دارند بلافاصله بین آن‌ها آشتی برقرار کنند. در مجموع، از منظر قرآن، خود صلح دارای مصلحت است؛ زیرا با زندگی فطری انسان‌ها سازگارتر است؛ چه آن‌که در شرایط صلح، رشد و تعالی جامعه و تفاهم برای رسیدن به توافق‌ها بهتر فراهم شده و یگانگی آیین بشری و گرایش انسان‌ها به حق امکان‌پذیرتر خواهد بود؛ از این رو، قرآن، وصول به اهداف خود را از طریق صلح نزدیک‌تر، آسان‌تر و معقول‌تر می‌داند.

صلح در افغانستان باید مبتنی بر اصل قرآنی و جامع‌الاطراف به نفع همه ملت باشد و همان‌گونه که قرآن مکرر به زندگی مسالمت‌آمیز دستور می‌دهد، تأمین‌کننده منافع تمامی اقوام و ولایات و مذاهب کشور باشد. این کار در صورتی محقق می‌شود که همه صلح‌طلبان و رهبران و سیاست‌مداران با پایبندی به قرآن و ارزش‌های اسلامی در مسیر صلح‌سازی گام بردارند. «بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل متحد، در پیام خود برای روز جهانی صلح گفت: «صلح تنها این نیست که سلاح‌های مان را کنار بگذاریم؛ بلکه صلح مربوط به ایجاد جوامعی است که در آن مردمان بهره خود از موفقیت را در یک جهان سالم به اشتراک بگذارند. همه شما بهتر از همه می‌دانید که صلح یک تضاد نیست. صلح هم‌چنین یک هدیه نیست؛ بلکه چیزی است که ما باید همگی در هر روز و در هر کشوری برای

آن تلاش کنیم» (<http://parstoday.com/dan/radio/uncategorised>). صلح نیازمند تلاش و فعالیت مضاعف همه مردم و رهبران سیاسی و قومی و سران احزاب سیاسی است که در جامعه افغانستان باید به آن توجه کرد.

۷-۳-۱-۲. وَ الصَّلْحُ خَيْرٌ

این عبارت یک اصطلاح قرآنی در مورد خیر و نیک بودن صلح است که آشتی و سازش مسلمانان را کار نیک و با برکت معرفی می‌کند. این اصطلاح ناظر به نتایج صلح و توافق اجتماعی است که صلح‌سازی به علت آثار مثبت مادی، معنوی و اجتماعی در جامعه سراسر خیر و نیک است. عبارت یادشده در مورد صلح خانوادگی نازل شده است که در صورت اختلاف، زن و شوهر باید باهم صلح کنند و از همدیگر بگذرند؛ چرا که صلح در محیط خانواده و اجتماع ذاتاً خیر و نیک است (نساء/ ۱۲۸). از این آیه قرآن به دست می‌آید که صلح، چه در خانواده و چه در اجتماع، از منظر قرآن باید به خیر و نیکی و برکت برای اعضای خانواده و جامعه ختم شود. معلوم است صلح در صورتی ختم به خیر و خوبی می‌شود که به شکل عادلانه و جامع الاطراف بدون اجحاف برقرار شود؛ به گونه‌ای که منافع کل افراد جامعه با تمام احزاب و اقوام و مذاهب ساکن در آن فراهم شود. چون صلح از منظر قرآن خیر است و عبارت «الصَّلْحُ خَيْرٌ» یک اصل قرآنی است که کاربرد اجتماعی دارد و باید به خیر و نیکی پایان پذیرد؛ در غیر این صورت صلح عادلانه و جامع الاطراف و دارای خیر و برکت نخواهد بود.

صلح‌سازی در جامعه افغانستان با فراز و نشیب‌هایی همراه است و با توجه به تعدد گروه‌های تندرو و صد درصد مخالف، اجرای فرایند صلح‌سازی در کشور کار آسانی نیست. به هر صورت، سرانجام راهی برای پایان جنگ و خون‌ریزی در افغانستان وجود ندارد، جز صلح و سازش؛ ولی این صلح باید بر اساس قرآن کریم خیر باشد و به قطع جنگ و نزاع و ویرانی منتهی شود؛ چه این که عمومات آیات درباره صلح، شامل صلح افغانستان است و باید پایان خوشی برای همه کشور داشته باشد. خداوند در قرآن کریم همه مسلمانان را دعوت به صلح و آشتی کرده می‌فرماید: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال/ ۱)؛ پایه و اساس (اختلاف و نزاع) بین خودتان را اصلاح کنید. اصلاح ذات البین از کارهای بسیار مفید و ارزشمند در اسلام است که کینه و دشمنی و اختلاف را از میان خانواده و جامعه برمی‌دارد.

۷-۳-۱-۳. دعوت قرآن به صلح

قرآن کریم به صورت مکرر نه تنها مسلمانان، بلکه همه بشریت را دعوت به صلح و آشتی نموده و خواهان رفع نزاع و اختلاف از جامعه است؛ چنان‌که در سوره حجرات آمده است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ

فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات / ۱۰)؛ و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند، بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد؛ پس اگر باز گشت میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

نکته مهمی که در آیه به آن تصریح شده، در هر صلحی، و به خصوص صلح افغانستان، حائز اهمیت است. آن نکته صلح عادلانه و رعایت عدالت اجتماعی در جامعه است که در اثر فرایند صلح بر قوم، حزب، مذهب و... نباید ظلمی صورت گیرد و نباید آنان از حقوق مدنی و اسلامی خود محروم شوند.

این آیه در مورد جنگ و نزاع گروهی نازل شده و از گروه‌های متخاصم خواسته است تا دست از جنگ بردارند و با هم صلح نمایند. جالب این‌که خداوند برای گروه متجاوز و طغیان‌گر حساب ویژه باز کرده و در صورت تعدی باید همهٔ مسلمانان در مقابل گروه باغی قرار گیرند و او را وادار به تسلیم در برابر دستور خدای متعال، یعنی صلح، نمایند. هرگاه غیر مسلمانان تمایل به صلح داشته باشند، از منظر قرآن باید با آن‌ها صلح برقرار کرد. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال / ۶۱)؛ و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند، تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست.»

این آیه به مسلمانان به صلح با مشرکان توصیه می‌کند که اگر آن‌ها تمایل داشتند، شما با آنان آشتی کنید. در صورتی که مسلمانان و بلکه شخص رسول الله (ص) با مشرکان در حال جنگ مأمور به صلح است، آیا شایسته نیست که جامعهٔ مسلمان افغانستان در صلح و صفا با هم زندگی کنند؛ بنابراین، در صورت تمایل مردم افغانستان و گروه‌ها به سازش بر دیگر گروه‌های مقابل، صلح با آن‌ها واجب و فرض می‌باشد.

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

۷-۳-۱-۴. رعایت احکام اسلامی

از آن‌جا که صلح دارای فرایند طولانی و پُرخطر و دارای پیچ و خم‌های بسیاری است، طبعاً در برقراری و اجرای مواد صلح ممکن است برخی مصالحه‌گران و یا همهٔ آن‌ها مرتکب خطا و احیاناً نادیده گرفتن احکام الهی شوند؛ از این رو، در همهٔ مراحل و مقدمه و نتیجه باید احکام اسلامی رعایت شود و هیچ مخالفتی با حلال و حرام خدا صورت نگیرد؛ به‌ویژه در افغانستان با توجه به تعدد گروه‌ها، سلیقه‌ها، خط و مشی‌ها، مداخلات خارجی‌ها، کینه و دشمنی‌ها و... احتمال تخلف از دستورات الهی وجود دارد؛ از این رو، یکی از بایدها، رعایت احکام اسلامی در فرایند صلح است که باید همهٔ اطراف

نزاع مواظب باشند تا در اثر برقراری سازش حقی ضایع نشود. قرآن کریم هم درباره صلح دستور اکید داده می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره/ ۲۰۸)؛ و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. یکی از عوامل خطا و تبعیت نکردن از احکام اسلامی، وسوسه‌های شیطانی است که در قضیه صلح فریب و نیرنگش را به کار می‌گیرد.

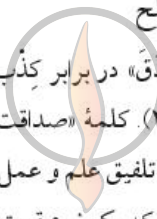
با توجه به آنچه در این قسمت ذکر شد، چهار پایه به عنوان بایدهای صلح از منظر قرآن بیان شد که رعایت آن‌ها در فرایند صلح افغانستان بر همه صلح‌جویان لازم است و نباید از آن‌ها تخطی نمایند. صلح یک اصل قرآنی و مورد تأکید خدای متعال است. صلح باید ختم به خیر و نیکی شود. پاسخ به دعوت صلح‌جویانه قرآن کریم و رعایت احکام اسلامی در فرایند اجرای صلح در کشور هریک از این موارد هم قرآنی، منطقی و عقلانی‌اند، هم عرف جامعه جهانی آن‌ها را تأیید می‌کند و هم در جامعه افغانستان قابل تطبیق می‌باشند.

۷-۳-۲. بایدهای اخلاقی

این نوع بایدها به التزامات اخلاقی دلالت دارد که در فرایند صلح باید مدنظر باشند، و گرنه صلح واقعی انجام نخواهد شد. اخلاق دینی و اسلامی مقتضی رعایت بایدهایی است که به آن‌ها اشاره می‌شود. در این جا چند بایدهای اخلاقی که نقشی در فرایند صلح در جامعه افغانستان دارند، از باب نمونه ارائه می‌شوند تا در جریان صلح مورد توجه قرار گیرند.

۷-۳-۱. صداقت در فرایند صلح

واژه «صِدْق» در لغت از ریشه «صَدَق» در برابر کَذِب و دروغ به معنای گفتار مطابق با عقیده و واقع آمده است (مصطفوی، ج ۶: ۲۱۳). کلمه «صداقت» اسم مصدر از صِدْق به معنای راستی در گفتار و رفتار برخلاف دروغ و نفاق، بر تلفیق علم و عمل و انطباق سخن با کردار دلالت دارد. آنچه از معنای لغوی صداقت برمی‌آید آن است که یک نوع قوت و صلابت در مفهوم صدق و صداقت نهفته است؛ زیرا صداقت در گفتار و رفتار چون حق است برعکس دروغ و نفاق که باطل هستند، از قوت و استحکام بالایی برخوردار می‌باشد (همان)؛ بنابراین، منظور از صداقت و راستی در این مقاله، درستی در قول و عمل است؛ چنان‌که در قرآن کریم صدق و صداقت به این دو معنا به کار رفته است (اسراء/ ۸): از این رو، صِدْق به هیأت مبالغه به کسی گفته می‌شود که در گفتار و رفتار هر دو صادق باشد؛ یعنی هم راستگو و هم درست‌کردار باشد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۱۶). همان‌طور که در قرآن یوسف (ع) (یوسف/ ۴۶) و ابراهیم (ع) (مریم/ ۴۱) به صِدْق و مریم به «صِدِّيقه» (مائده/ ۷۵) توصیف شده‌اند؛



چون آن‌ها نمونه‌های صادقان از منظر قرآن کریم می‌باشند.

بنابراین، صداقت و راستگویی یعنی واقعیت را همان‌طور که هست، بیان کردن و ظاهر و باطن را یکی نمودن است. به عبارت دیگر، راستگویی یعنی بیان حقایق و مسائل بدون کم و کاست و این یکی از اصول ارزشی است که هر دین و آیین الهی بر آن تأکید می‌ورزد و عقل و خرد بشر نیز آن را مورد تأیید و توجه قرار می‌دهد؛ چرا که سلامت و تعادل دل و زبان، یک‌سوایی و هماهنگی ظاهر و باطن در رفتار، گفتار و فکر و اندیشه را ایجاد می‌کند. در شرایط امروز افغانستان، کمبود یا فقدان صداقت، به‌خصوص در میان سیاست‌مداران و رهبران سیاسی، به روشنی قابل مشاهده است. کشوری که چهار دهه در جنگ و نزاع مشغول است، طبیعتاً از ارزش‌های دینی مانند صداقت خبری نیست. در توافق‌ها، قراردادهای سیاسی - اجتماعی راستی و راستگویی کم‌تر وجود دارد؛ چرا که اغلب سیاسیون به دروغ و نیرنگ و نفاق عادت کرده و اصولاً از سیاست چنین معنایی در ذهن دارند و همان مفهوم را در عمل از خود نشان می‌دهند؛ در حالی که از منظر آیات و روایات اسلامی کسی که عمل با قلب و گفتارش هماهنگ نباشد، منافق می‌باشد. قرآن کریم دروغ‌گویی را از صفات منافقان شمرده می‌فرماید: «اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون / ۱)؛ خدا گواهی می‌دهد که منافقان در گفته خود دروغ‌گو هستند (چرا که به سخنان خود ایمان ندارند).

صلح در افغانستان با نظر به اختلافات عمیق و طولانی که میان سیاسیون وجود دارد و آن‌ها سال‌ها باهم در جنگ بوده و هستند، بیش از دیگر امور نیاز به صداقت و راستی دارد، چنان‌که در سال اول دولت انتقالی از خلقی‌ها به مجاهدین و برای ایجاد صلح و امنیت در جامعه همه رهبران در مکه مکرمه در کنار خانه خدا باهم قول و قرار گذاشتند و متعهد شدند که دست از نفاق و اختلاف بردارند؛ ولی به محض بازگشت به کشور، بدتر از دوره خلقی‌ها جنگ و خون‌ریزی را شروع کردند و تا امروز ادامه یافته است؛ از این رو، مدعیان و مجریان صلح باید در قول و عمل صادق و رفتار و گفتارشان باهم منطبق باشد. در این صورت، احتمال برقراری صلح و امنیت در کشور عقلانی خواهد بود. برعکس، اگر نفاق در دل و زبان و عمل سیاست‌مداران افغانستان حاکم بود و آنچه به زبان آوردند، غیر از چیزی بود که در قلب داشتند، در زمره منافقان‌اند و فرایند صلح هم مثل سابق به جایی نمی‌رسد. خداوند در توصیف منافقین می‌فرماید: «يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ» (آل عمران / ۱۶۷)؛ به زبان چیزی اظهار کنند که در دل خلاف آن پنهان داشته‌اند. به این ترتیب، منافقان هیچ ارزشی برای سخن خود قائل نیستند و از طرف دیگر هیچ اعتمادی به حرف‌های آن‌ها نیست.

قصد و نیت از جمله عوامل درونی دخیل در هر کاری است؛ چرا که تصمیم‌سازی محصول نیت انسان است و بدون قصد جدی و صددرد، هیچ تصمیم مؤثر و کارسازی اتخاذ نمی‌شود. افزون بر این، اجر و پاداش یا ثواب و عقاب هر کار هم مترتب بر همین نیت و انگیزه باطنی فرد است؛ چون پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» (بحار الانوار، ج ۶۷، ۲۱۱)؛ ارزش هر عملی به نیت است و ارزش هر انسانی نیز به نیت اوست.

اگر کار خالصاً لله بود، از منظر اسلام ارزشمند است و صاحب عمل نیز در نزد خدا آبرو مند می‌باشد. در امور اجتماعی مانند صلح و اصلاح ذات‌البین قصد و نیت هم در انجام و اجرای صلح و هم در اجر و ثواب آن نقش اساسی دارد؛ زیرا هرگاه صلح‌طلبان قصد واقعی نداشته باشند و هدف‌شان صرفاً امتیازگیری از طرف مقابل باشد، معلوم است که به جایی نمی‌رسند و صلحی هم برقرار نمی‌شود.

از نظر اسلام، صلح بیرونی متوقف بر صلح درونی است؛ به این معنا که تا سیاسیون باطناً آمادگی برای آشتی با مخالفان نداشته باشند و به نوعی با خود صلح نکرده باشند، موفق به اجرای صلح عادلانه و همه‌جانبه نخواهند شد. صلح از منظر اسلام یک سیر تکاملی دارد که از درون فرد آغاز و به سازش و امنیت اجتماعی خاتمه می‌یابد. این فرایند باید در همه افراد جامعه و مخصوصاً رهبران سیاسی طی شود؛ یعنی اول خود افراد با خود صلح کنند و سپس به صلح با دیگران بپردازند. در حقیقت، فرد مؤمن باید نبرد بین امیال و خواسته‌های میان نیروهای جسمانی و روحانی و تمایلات نفسانی و معنوی خویش را پایان دهد و به صلح درونی برسد تا این نیروها در پیوند با یکدیگر قرار گرفته و مسیر تکامل و ارتقای شخصیت انسانی او را شکل دهند. در این حال، فرد آماده حرکت جمعی آرمانی می‌شود؛ بنابراین، صلح درون‌زیربنای تکامل اخلاقی و ایمانی انسان برای تأثیرگذاری سازنده اجتماعی می‌باشد.

۸. عقلانیت در صلح

مفهوم «عقل» (Reason) از دیرزمان مورد بحث اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان بوده و تحولات زیادی به خود دیده است و به دلیل نظریات گوناگون، وفاقی درباره مفهوم و تعریف عقل وجود ندارد. عقل در عصر جدید بیش‌تر جنبه روشی و کاربردی پیدا کرده است و به روش‌های عملی اطلاق می‌شود که به منظور کشف حقیقت، در پدیده‌های تجربی به کار می‌روند و با فنونی چون مشاهده، اندازه‌گیری، مقایسه، آزمون، صورت‌بندی فرضیه، اثبات، تنظیم مفاهیم، تحلیل منطقی معانی و دستور زبان مرتبط‌اند. (گولد، ۱۳۷۶: ۵۸۷). ماکس وبر (Max Weber) عقلانیت را به مجموعه فرایندهای مرتبط به هم اطلاق می‌کند که می‌توان هر جنبه از عمل انسانی را از طریق آن‌ها در معرض محاسبه،

سنجش و کنترل قرار داد.

عقلانی شدن به نظر او عبارت است از سازمان دادن زندگی به وسیله تقسیم کار و هم‌سازی فعالیت‌های گوناگون بر پایه شناخت دقیق مناسبات میان انسان‌ها با ابزارها و محیط‌شان، به منظور تحصیل کارآیی و بازدهی بهتر. وی «دیوان‌سالاری» را نمونه عالی عقلانیت می‌داند؛ زیرا حساب‌گری، سنجیدگی، توانایی، پیش‌بینی و کنترل از عناصر ماهوی آن‌اند (بهمن، ۱۳۷۹: ۳۵)؛ بنابراین، عقلانیت از منظر ویر، به معنای سازگاری آگاهانه سازمان با اهداف و عملیات آن و عقلانی کردن به معنای کاهش ضایعات و افزایش کارآیی و کنترل عاقلانه صنعت است (گولد، همان). از مجموع تعاریف و کلام دانشمندان استفاده می‌شود: عقل در اصطلاح قوه‌ای است در باطن انسان که خیر و صلاح دنیا و آخرت را تشخیص داده، او را از تمایل برخلاف آن باز می‌دارد (محمود، ۱۴۱۷ق: ۳۱). عقل به این معنای قوی‌ترین ابزار در تحصیل سعادت و نیل به کمال حقیقی است و بدون آن نمی‌توان به سعادت ابدی نائل گشت.

با توجه به معنای عقل و عقلانیت و نقش آن در حیات فردی و اجتماعی آدمیان، تأثیر عقل در صلح و صلح‌سازی روشن است و جای تردیدی نیست. بر این اساس، عقل از مبانی مهم صلح در افغانستان است و بدون تکیه بر آن صلح عادلانه و پایدار در کشور محقق نخواهد شد. عقل سلیم بر لزوم صلح و اجرای فرایند صلح‌سازی در افغانستان حکم می‌کند؛ چرا که جنگ و قتل و غارت زندگی مردم افغانستان را تبه و روزگار آنان را سیاه کرده است. سال‌ها اضطراب و نگرانی جامعه افغانستان را در طول چند دهه رنج داده و همین‌طور تا کنون در شکنجه و عذاب روحی و روانی به سر می‌برند. با این شرایط، عقل هم بر ضرورت صلح در افغانستان حکم می‌کند و هم بر عادلانه بودن و جامعیت آن تا به قطع ناپسامانی در کشور منتهی شود. بدین وسیله، مردم رنج‌کشیده افغانستان از ظلم و جنایت طولانی‌رهای یافته، امنیت و اطمینان خاطر در جامعه حاکم خواهد شد.

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

۸-۱. عفو و گذشت

واژه «عفو» به معنای زوده‌شدن، پاک‌شدن، از گناه کسی گذشتن و خودداری کردن (آذرتاش: ۴۴۶) آمده و در اصطلاح، علمای اخلاق قریب به همین معنا، به مفهوم بخشیدن و نادیده گرفتن بدی‌های دیگران به کار رفته است. عفو به این معنا ضد انتقام‌جویی و انتقام‌گیری، یکی از صفات شایسته‌ای است که آثار مثبت اجتماعی فراوانی به همراه دارد؛ زیرا عفو و گذشت به جای خشونت و پرخاشگری، زمینه جذب مردم را به ارزش‌های دینی و اسلامی فراهم می‌سازد؛ از این رو، خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف / ۱۹۹)؛

عفو و گذشت را پیشه خود کن (کار را بر مردم آسان گیر و گذشت و میانه‌روی پیشه ساز) و به کار نیکو و پسندیده فرمان ده و از نادانان و نابخردان روی گردان» پیامبر (ص) نظر به ویژگی‌های روحی و روانی که مخصوص ایشان بود و نیز بر اساس وظیفه تبلیغی و تربیتی خویش، همیشه با عفو و بخشش با مردم برخورد می‌کرد و حتی دشمنان را مورد عفو و مهربانی قرار می‌داد؛ همان‌گونه که در فتح مکه کفار و مشرکان قریش را با آن همه ظلم و جنایتی که نسبت به شخص رسول الله (ص) و مسلمانان مرتکب شده بودند، مورد عفو و بخشش قرار داد و حتی خانه ابوسفیان را محل امن اعلام نمود (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۳۴۳).

صلح در افغانستان بدون عفو عمومی امکان‌پذیر نیست و رهبران و سیاسیون کشور باید نسبت به همه مردم و مخالفان عفو عمومی اعلام کنند تا یک صلح جامع و فراگیر تحقق یابد. جنگ و اختلاف چند دهه در کشور مخالفان سرسختی از گروه‌ها در برابر یکدیگر ساخته است که با حس انتقام‌جویی و کینه‌توزی، مسلماً صلح‌سازی در کشور شکل نمی‌گیرد. تنها چیزی که در فرایند صلح‌سازی در کشور کمک می‌کند، گذشت از همدیگر و عفو طرف مقابل است تا همه بتوانند در سایه چتر صلح گردهم آیند؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام (ص) در صلح حدیبیه و فتح مکه اعلام عفو عمومی کرد و با ظالمان و جانیان مکه با گذشت برخورد کرد (طبری، ج ۲: ۲۸۱)؛ بنابراین، از بایدهای مهم و مؤثر در ایجاد صلح و آشتی در افغانستان، محور قرار دادن اصل اخلاقی عفو و گذشت مخالفان در کشور است. بر این اساس، می‌بایست گروه‌های متخاصم هر کدام نیروهای طرف مقابل را مورد عفو و بخشش قرار دهند تا فرایند صلح که نیاز به جمع و اجتماع دارد، به خوبی در جامعه محقق شود.

۹. بایدهای سیاسی - اجتماعی

بایدهای سیاسی - اجتماعی به آن دسته از بایسته‌ها دلالت دارند که در جنبه سیاسی و اجتماعی صلح‌سازی افغانستان تأثیر گذارند؛ چرا که بدون در نظر گرفتن این بایدها، پروسه صلح با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. بایدهای سیاسی و اجتماعی در مورد صلح و صلح‌سازی در کشور فراوان هستند و بررسی همه آن‌ها در یک مقاله نمی‌گنجد و در این بخش به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۹-۱. صلح جامع و همه‌جانبه

یکی از بایدهای صلح در جامعه پُرچالش افغانستان، جامعیت آن است و این جامعیت از جهات مختلف قابل توجه است. جامعیت از جهت جمعیت ساکن در کشور به شمول همه اقوام و مذاهب و نژادهای موجود در افغانستان که فراگیری لازم را داشته باشد؛ بدین معنا که صلح باید برای تأمین

امنیت همه اقوام و مذاهب افغانستان دارای جامعیت باشد و همه ملت با تمام طوائف و اقوام و مذاهب مشمول فرایند صلح شوند. دلیل جامعیت صلح این است که همه اقوام و جمعیت افغانستان در اثر اختلافات سال‌های گذشته متحمل ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیر شده‌اند و اگر در اثر صلح نفعی عاید ملت شود، باید همه مردم از آن بهره‌مند شوند. اگر صلح‌سازی مخصوص برخی اقوام باشد و رهبران قومیت خاص با هم صلح کنند، طبیعی است که چنین صلحی پایدار نخواهد بود؛ در نتیجه به خیر و صلاح کشور تمام نخواهد شد و چه‌بسا به درگیری‌های جدید منجر شود؛ چرا که همه اقوام موجود در افغانستان به لحاظ عده و عده توان مقابله با رقبای دارند. خداوند درباره جامعیت صلح می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (انفال / ۶۱)؛ یعنی اگر دشمن به صلح تمایل نشان داد، تو نیز آن را بپذیر و به خدا توکل کن. این آیه دستور عام داده و تمایل به صلح را به صورت فراگیر و مطلق بیان کرده است که باید همه ملت یک کشور را فرا گیرد.

جامعیت صلح از نظر مذاهب موجود در کشور نیز حائز اهمیت است و باید همه پیروان مذاهب از صلح بهره‌مند باشند و نباید فریند صلح‌سازی مذهب خاصی را در کشور مدنظر قرار دهد. مذاهب رسمی در افغانستان که در قانون اساسی رسمیت دارند، باید در صلح دخیل و اثرگذار باشند. جامعیت به لحاظ جغرافیا و سرزمین هم مهم است و فرایند صلح باید همه ولایات کشور را تحت پوشش قرار دهد و از تبعیض و نادیده‌گرفتن برخی ولایات باید پرهیز شود. خلاصه، صلح جامع و همه‌جانبه در افغانستان کار ساز خواهد بود و به خیر و خوبی ختم می‌شود؛ چنان که جامعیت و فراگیر بودن صلح از آیات و روایات هم به دست می‌آید. امام علی (ع) در بخشی از نامه‌اش (نامه ۵۳) به مالک اشتر می‌فرماید: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُ مُصْنَفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ [ای مالک] مهربان باش و رعیت را با چشمی پُر عاطفه و سینه لبریز از محبت بنگر. مبادا چون درنده‌ای به غارت جان و مال آنان پردازی! [چرا که] فرمان‌برداران تو از دو صنف بیش نیستند: یا مسلمان و برادران دینی تو هستند، و یا پیروان مذهب بیگانه‌اند که در این صورت همانند تو انسانند. هر دو صنف نیاز به لطف و رحمت و سازگاری تو دارند و نباید آن‌ها را اذیت و آزار دهی. این کلام علی (ع) توصیه به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با همه مخالفان به صورت فراگیر است.

۹-۲. تأمین عدالت اجتماعی

عدالت گم‌شده امروز جامعه بشری است و هر کس و هر قوم و جامعه در کشورهای مختلف جهان در جست‌وجوی عدل و عدالت و صلح و صفا در کشور و جوامع انسانی هستند. مخصوصاً مردم

افغانستان سال‌ها است که در ظلم و بی‌عدالتی به سر برده از جنایت ستمگران به ستوه آمده، بیش از دیگر جوامع در جست‌وجوی صلح بوده و برای تحقق آن لحظه‌شماری می‌کنند. اینک که زمزمه صلح شنیده می‌شود، از بایدهای مهم آن برقراری عدالت اجتماعی در کشور است؛ چه این که بدون عدالت ولو توافقی میان گروه‌ها و اقوام و مذاهب حاصل شود، خیر و برکتی برای مردم افغانستان نخواهد بود و با روش دیگر کشور را با چالش مواجه خواهد کرد؛ از این رو، صلح باید برقرارکننده عدالت و دادگری در کشور باشد، وگرنه هیچ خیر و صلاحی در آن نخواهد بود.

قرآن کریم صلح عدلانه را مورد تأکید قرار داده می‌فرماید: «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات / ۱۰)؛ میان آن‌ها [مخالفان] را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد. در این آیه اجرای صلح و صلح‌سازی مشروط به عدالت شده که خداوند از دو واژه قسط و عدل در آیه استفاده کرده و در پایان فرموده خدا عدالت‌پیشه‌گان را دوست دارد. این کاربرد واژگان و ختم به حب الله نسبت به عدالت‌گران تأکید در عادلانه بودن صلح است که در غیر این صورت هدف صلح که تأمین مصلحت عامه می‌باشد، محقق نمی‌شود. در جامعه افغانستان باید صلح جایگزین اختلاف، کشتار، غارت، ناامنی و... شود که مردم را به لحاظ جسمی و روحی - روانی در معرض آسیب‌های جدی قرار داده است. اطفال، زنان، پیرمردان و ضعیفان و محرومان جامعه از این آسیب‌ها به شدت رنج می‌برند و نباید بیش از این در مشکلات و ناامنی زندگی کنند. به هر صورت، تأمین عدالت در کشور از بایدهای مهم و ضروری در فرایند صلح است که باید تحقق یابد.

۹-۳. تأمین امنیت جامعه

امنیت با تمام ابعادش از نیازهای اولیه جامعه افغانستان است و همه افراد یک کشور وظیفه دارند در این زمینه سرمایه‌گذاری نموده و از هر کاری خلاف امنیت که منجر به ناامنی در جامعه شود، باید پرهیز نمایند. امنیت جانی، ناموسی و مالی از جمله ابعاد مختلف امنیت اجتماعی است که هر فرد، خانواده، طایفه، گروه و... نیاز مبرم به آن دارند. امنیت جانی اگر نبود و کسی برای فعالیت و رفت و آمد در شهرها و مراکز ولایت و ولسوالی مطمئن نباشد، نمی‌تواند حضور فعال در جامعه داشته باشد و در رشد و پیشرفت فرهنگ و تمدن کشور مؤثر واقع شود. همین طور امنیت ناموسی و امنیت مالی در شکوفایی مادی و معنوی جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند؛ بنابراین، تأمین امنیت اجتماعی از بایدهای مهم در ایجاد صلح و تعامل با دیگران است. رسول خدا (ص) در اهمیت امنیت می‌فرماید: «نِعْمَتَانِ مَجْهُوَّتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ» (خصال، ۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۸: ۱۷۰)؛ دو نعمت‌اند که قدرشان مجهول است؛ صحت و امنیت. این دو نعمت واقعاً همان‌گونه که پیامبر اسلام (ص) فرموده، ناشناخته هستند

و تا زمانی که انسان با بیماری و ناامنی مواجه نشده، ارزش آن دو را درک نمی‌کند. امنیت به معنای فراهم ساختن زندگی بدون اضطراب و نگرانی از هتک جان و مال و ناموس از بایدهای اساسی صلح و صلح‌سازی در کشور است؛ چه این که بدون امنیت هیچ‌گونه رشد و ترقی مادی و اجتماعی در جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود.

ملت مسلمان افغانستان چند دهه است که از ناامنی در رنج و زحمتِ طاقت‌فرسا است و هیچ جای امنی در کشور وجود ندارد که مردم در آن‌جا با اطمینان قلبی و به‌دور از دغدغه و نگرانی زندگی کنند. شهرها همیشه در تهدید انتحار و انفجار قرار دارند و راه‌های مواصلاتی در تمام نقاط کشور امنیت ندارد و مسافران در کمال ترس و وحشت سفر می‌کنند. هر روز و ماه و ساعت افراد بی‌گناه در اثر انفجار، راه‌گیری، حمله مسلحانه و مانند آن به قتل می‌رسند و هیچ کسی نیست که به دادخواهی آنان اقدام نماید. گروه‌های مختلف با نام‌های متفاوت به جان هم افتاده و هیچ‌گونه سازش با همدیگر ندارند. در چنین شرایطی معلوم است که چشم‌انداز رشد و پیشرفت سال‌ها در کشور قابل انجام نیست؛ از این‌رو، روز به روز مردم مسلمان و متدین افغانستان فقیرتر و بیش از گذشته آواره می‌شوند. در این شرایط بر هیچ انسان عاقل پوشیده نیست که تأمین امنیت از اساسی‌ترین پایه‌های صلح و آشتی در جامعه افغانستان است و باید سیاست‌مداران و رهبران دینی، مذهبی، قومی و گروهی به این مطلب توجه نموده فرایند صلح را در کشور اجرا و مردم را از درد و رنج ده‌ها ساله نجات بخشند.

۹-۴. تأمین منافع ملی

جامعه به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی دارای منافع مشترک بین گروه‌ها، اقوام و مذاهب موجود در آن جامعه است و همه افراد از آن منابع بهره می‌برند؛ چون نظام اجتماعی حاکم بر جامعه مربوط به همه ملت است و حاکمان در جهت تأمین نیازها و فراهم ساختن امکانات زندگی مردم تلاش می‌کنند. دولت آنچه از منابع طبیعی و ذخایر زیرزمینی به دست می‌آورد، در اختیار مردم می‌گذارد تا این که همه اقوام، مذاهب و افراد جامعه به رفاه و آسایش برسند. به همین علت، هدف‌های مشترک برای مردم یک جامعه و ساکنان یک کشور شکل می‌گیرد. امنیت عمومی، آزادی اجتماعی، رفاه اقتصادی و مانند آن از جمله هدف‌های مشترکی هستند که دولت و ملت برای تأمین آن‌ها فعالیت می‌کنند (خسروشاهی، ۱۴۳۲ق: ۲۸). این موضوع در جامعه افغانستان نیز وجود دارد و مردم این سرزمین از هر قوم و نژاد و مذهب دارای منافع و اهداف مشترک فراوانند که باید مورد توافق همه گروه‌ها باشد و برای تقویت آن امنیت اجتماعی و اقتصادی فراهم شود.

حقوق ملت و دولت که در جوامع اسلامی و غیر اسلامی مطرح است، از همین منافع و اهداف

مشترک مایه می‌گیرد و باید آن‌ها را شناخت و بر اساس آن عمل کرد؛ چنان‌که امام علی (ع) در زمان زمام‌داری به حقوق رعیت و حکومت اشاره کرده می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴): ای مردم! من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید. این حقوق مشترک در قالب اهداف عمومی جامعه قابل طرح و پیگیری است. امام (ع) در ادامه می‌فرماید: «فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتِ مَنَاهِجُ الدِّينِ» (همان، خطبه ۲۱۶): پس چون مردم، حقوق والی را ادا کنند و والی نیز به حق مردم برسد، حق در میان آنان عزیز و راه‌های دین استوار می‌شود. این کلام بر این دلالت دارد که حقوق والی بر رعیت یک‌جانبه نیست و همان‌گونه که او بر رعیت حقی دارد، مردم نیز بر او حق دارند. حقوق رعیت در حقیقت همان منافع مشترک جامعه را تشکیل می‌دهد که همه مردم در تأمین آن ذی‌نفع هستند. تشکیل نهادهای اجتماعی در کشور و همچنین اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی در واقع به منظور دستیابی به منافع ملت‌ها است. این منافع و اهداف در اثر برنامه‌ریزی و تلاش‌های مشترک دولت و همه افراد جامعه قابل تحقق است.

وجود منافع و اهداف مشترک در جوامع مختلف و جامعه افغانستان مسلم است و باید به حفظ و تقویت آن منافع و اهداف اهتمام ورزید. وجوه مشترکی از این جهت در میان افراد جامعه وجود دارد که همه اقوام و مذاهب بر محور آن جمع می‌شوند و باید در موارد اختلاف با هم مصالحه نمایند. امروزه، با توجه به توسعه ارتباطات و پیشرفت‌های علمی و صنعتی و آسان‌شدن تبادلات فرهنگی و نزدیکی ملت‌ها به هم، زمینه‌های مختلفی برای همکاری و تعاون و اتخاذ تصمیمات مشترک بر اساس منافع و هدف‌های مشترک مسلمانان فراهم شده است. صلح و تعامل و همکاری با دیگران، اعم از موافق و مخالف، بهترین راه برای نیل به منافع و اهداف مشترک کشور است. این مسیری است که بسیاری از کشورهای متمدن و پیشرفته در زمینه‌های مختلف آن را تجربه کرده‌اند. مثال عینی چنین امری، جامعه اروپا است که می‌بینیم پس از تشکیل پارلمان و بازار مشترک اروپایی، با تقویت زمینه‌های مشترک سیاسی و اقتصادی و تضعیف نقاط منفی و اختلاف‌برانگیز تا آن‌جا پیش رفت که حتی به اتحاد پولی و حذف مرزها در جهت تأمین منافع مشترک میان کشورهای عضو رسید. چنین همکاری و تعامل در جوامع اسلامی نیز لازم است تا اهداف و منافع مشترک مسلمانان تأمین شود. به هر صورت، منافع و اهداف مشترک از مبانی مهم در صلح و تعامل با مخالفان است و برای دستیابی به آن باید کمال همیاری را از خود نشان داد. در کشور افغانستان استفاده از این مبنا در تدارک صلح و آشتی در جامعه اهمیت ویژه دارد و باید به آن اهتمام قائل شد و همه ملت و رهبران مذهبی، گروهی، اجتماعی و سیاسی به ایجاد صلح و صمیمیت بین مردم بپردازند.

جمع‌بندی

از آنچه در این مقاله بیان شد، افزون بر لزوم صلح و سازش و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه افغانستان، به دست آمد که باید‌هایی در فرایند صلح‌سازی لازم است و می‌بایست در توافق صلح و اجرای آن مورد توجه جامعه جهانی و رهبران سیاسی کشور قرار گیرد. باید‌های قرآنی، اخلاقی و اجتماعی در صلح‌سازی افغانستان باید محور گفت‌وگوهای صلح قرار گیرد تا در نتیجه آن صلح عادلانه در کشور تحقق یابد. در صلح باید صداقت همراه با قصد واقعی صلح و عفو طرف مقابل بر محور عقل حاکم باشد و در چنین حالتی به هدف عالی نائل می‌گردد. در حیطه اجتماعی، تأمین امنیت، منافع ملی و عدالت اجتماعی از جمله باید‌هایی هستند که فراهم‌آورنده صلح فراگیر و تحقق‌بخش حقوق همه اقوام و مذاهب و گروه‌های افغانستان می‌باشند.

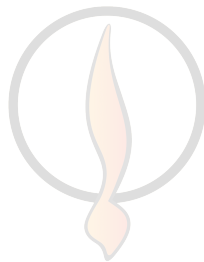
منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸.
۳. آذرتاش و آذرتاش (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، نشر نی.
۴. آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۹)، غررالحکم و دررالکلم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. ابن بابویه، محمد (۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)، الخصال، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، مقدمه ابن خلدون، به کوشش علی عبدالواحد، بیروت، دارالفکر.
۷. استرآبادی، احمد (بی تا)، آثار احمدی، تهران، میراث مکتوب.
۸. اکبری، محمدتقی (۱۳۸۶)، فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. امام رضا(ع)، علی (۱۳۶۵)، فقه الرضا، المؤتمر العالمي للامام رضا (ع).
۱۰. باقری، خسرو (۱۳۷۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
۱۱. بهمن پور، محمدسعید (۱۳۷۹) فراز و نشیب عقلانیت، تهران، نشر نوادر.
۱۲. بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
۱۳. جمعی از علما (۱۳۶۳)، الأصول الستة عشر، قم، دار الشیستری للمطبوعات.
۱۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، سیره نبی اعظم (ص)، قم، انتشارات ثقلین.
۱۵. جناتی، محمدابراهیم (۱۳۸۱)، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، قم، انتشارات انصاریان.
۱۶. خسروشاهی، سید هادی (۱۴۳۲ق)، فی سبیل الوحده و التقرب، تهران، المجمع جهانی لتقرب بین

المذاهب الاسلاميه.

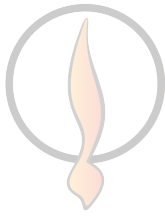
۱۷. خمینی، روح الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خمینی، روح الله (۱۳۵۸)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. الراغب الاصفهانی (۱۴۲۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: عدنان صفوان داوودی، قم، انتشارات طلیعه نور.
۲۰. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۸)، فطرت و دین، تهران، کانون تدیسه جوان، چاپ دوم.
۲۱. رحیم پور از غدی، حسن (۱۳۷۸)، عقلائییت، تهران، اندیشه معاصر.
۲۲. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰)، دانشنامه علوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. رضائیان، علی (۱۳۷۹)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات سمت.
۲۴. ساشادینا، عبدالعزیز (۱۳۸۶)، مبانی همزیستی اجتماعی در اسلام، ترجمه سید محمدرضا هاشمی، قم، انتشارات ادیان.
۲۵. سالاری فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹)، بهداشت روانی بانگش به منابع اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
۲۶. سعدی، گلستان، تصحیح محمدعلی فروغی، باب اول (در سیرت پادشاهان).
۲۷. سنایی، مهدی (۱۳۸۹)، احیای تمدن ایرانی اسلامی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم.
۲۸. شیخ صدوق (۱۴۰۳ق)، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. صفار، سالم (۱۳۸۶)، سیره پیامبر در رهبری و انسان سازی، ترجمه غلامحسین انصاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۳۰. صلیبا، جمیل (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفه، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، انتشارات حکمت.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. فردریک کاپلسون (۱۳۶۲)، تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۳. فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۸)، الحدیث، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۴. فیض کاشانی، محسن (۱۳۷۹)، محجة البیضاء، ترجمه سید محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۳۶. قمی، عباس (۱۳۸۳)، سفینه البحار، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۷. گولد، جولیوس و ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، انتشارات ملزبار.
۳۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۱ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعه الثالثه.

۳۹. محمدی، رحیم (۱۳۴۱)، در آمدی بر جامعه‌شناسی عقلانیت، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۴۰. محمود، علی عبد الحمید (۱۴۱۷ق)، التریبۃ العقلیة، مصر، قاهره.
۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳)، آموزش فلسفه، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی، مشکات (اخلاق در قرآن/۳).
۴۴. مصطفوی حسن (۱۳۷۱)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ، تهران، انتشارات صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
۴۷. مکارم، ناصر و همکاران (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم.
۴۸. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۶)، ویژگی‌های سیره پیامبر اعظم (مجموعه مقالات)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۴۹. میرزایی، نجف‌علی (۱۳۸۸)، فرهنگ اصطلاحات معاصر (عربی-فارسی)، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۵۰. یوسفیان، حسن و احمدحسین شریفی (۱۳۸۳)، عقل و وحی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴